

شرح رساله حقوق

این آخرین فراز از بیان نورانی امام سجاد در حق ید است.

جمله و عبارت را در جلسه قبل خواندیم «فاذا هی قد عقلت و شرفت فی العاجل، و جب لها حسن الثواب من الله فی الآجل»؛ «عقلت» را در جلسه قبل توضیح دادیم که منظور از «عقلت الید» یعنی چه.

شرافت ید

«شرفت فی العاجل»؛ اگر اینچنین شد نتیجه‌اش «و جب لها حسن الثواب من الله فی الآجل»؛ عاقبت نیکو در پایان، در آن دنیا حتما برای او خواهد بود. چه کسی است که حسن الثواب فی الآجل را رها کند و بچسبد به بهره عاجل در این دنیا، معنایش این است. ما اگر بهره از این دنیا برایمان اهمیت داشته باشد و این را ترجیح دهیم حسن الثواب در آخرت را کنار گذاشتیم، یعنی این اصل شود. البته این معنایش این نیست که در این دنیا بهره ای نداشته باشد، باید دست انسان شریف باشد همانطور که خود انسان باید شرافت داشته باشد.

حقیقت شرافت

اینکه می‌گوید دست باید شریف باشد یعنی چه؟ دست یک عضو از اعضاء بدن انسان است، در یک نگاه گسترده تر خود انسان باید شرافت داشته باشد. شریف و شرافت یعنی چه؟ شرف در لغت به معنای بلندی و رفعت مکان است. یک مکان بلند و رفیع را می‌گویند دارای شرف است. بر این اساس به انسانی که بلندی و رفعت دارد، می‌گویند شریف، بلندی و رفعت ظاهری و مادی، یعنی کسی که مثلا جایگاه رسمی و عالی دنیوی دارد. اما هر کسی که از جایگاه بلند دنیوی برخوردار بود لزوما شریف نیست. این همه پادشاهان جنایتکار و ظالم و غاصب در طول تاریخ بودند، در تاریخ اسلام هم خلفای اموی و عباسی بودند که بلندی ظاهری داشتند ولی هیچکس به آنها شریف اطلاق نکرده است. همین الان نتانیاهو قدرت دارد ولی هیچ کسی در دنیا او را به عنوان یک انسان شریف نمی‌شناسند. پس شرافت در واقع بلندی و رفعت مرتبه انسانی انسان است. این را با قضاوت‌ها و وجدان‌های آگاه می‌توان فهمید. یک کسی ممکن است در مقابل یک قدرت خضوع کند ولی در دلش هیچ گاه او را به عنوان یک انسان شریف نمی‌شناسد.

اما شرافت به چه چیزی حاصل می‌شود؟ من به یک کلامی از حضرت علی (علیه السلام) استناد می‌کنم و در این بحث نتیجه می‌گیرم. حضرت می‌فرماید: «شَرَفُ الرَّجُلِ نَزَاهَتُهُ وَ جَمَالُهُ مَرْوَتُهُ»؛ حضرت علی (علیه السلام) درباره شرافت مطلب زیاد دارند. موارد مختلفی را به عنوان شرافت برای انسان بیان کردند. این کلمات را اگر جستجو کنید معلوم می‌شود. مثلا کسی که اهل صلح و رحمت باشد این را به عنوان شریف معرفی کردند؛ چند خصلت است ولی کلیدی ترین مطلبی که حضرت درباره شرافت گفتند همین است، «شَرَفُ الرَّجُلِ نَزَاهَتُهُ وَ جَمَالُهُ مَرْوَتُهُ»؛ نزاهت یعنی چه؟

نزاهت در واقع به معنای پاکی و دوری از بدی و طهارت است. کسی که خودش را از بدی‌ها و زشتی‌ها و آلودگی‌ها پاک کند دارای نزاهت است. حضرت علی (علیه السلام) شرافت انسانی را در طهارت روحی او می‌بیند، این خیلی مهم است. کسی ممکن است به ظاهر خودش را شریف و دارای رفعت و جایگاه نشان دهد اما این شرافت نه ماندنی است و نه نافع، در حقیقت شرافت نیست بلکه تظاهر به شرافت است، این یک بلندی است که بر پایه‌های سست استوار است، این شرافت با ادنی حادثه‌ای زائل می‌شود. کسی که وابسته به یک عنوان مادی و قدرت مادی است، این اگر سلب شود این شرافت به باد می‌رود ولی اگر کسی شرافت

واقعی داشته باشد، یعنی خود را دارای شرافت و نزاهت روح کرده باشد، این شرافت حتی اگر در چاه هم باشد از او جدا شدنی نیست. یوسف پیامبر در چاه هم که بود شرافت داشت، برادرانش خوشحال و سرمست از اینکه او را از سر راه برداشتند شرافت نداشتند او در عمق زمین بود ولی بلندی جایگاه داشت و اینها در بلندای زمین بودند ولی در حضيض پستی و آلودگی.

اینجا که سخن از شرافت ید است میگوید «فاذا هی عقلت و شرفت» دست اگر شریف داشته شود، بزرگ داشته شود یعنی دست نزاهت داشته باشد، دست طهارت داشته باشد، دست آلودگی نداشته باشد، آن ثمره حتمی است. دستی که می خواهد نزاهت داشته باشد چگونه می تواند؟ دستی که می خواهد شریف باشد راه شرافتش چیست؟ هر چیزی که حضرت قبل از این فرمود همه راه های شرفت است. اینکه دست درازی به حرام نکند و از آنچه که وظیفه اوست به عنوان ادای واجب اجتناب نکند، یعنی حقوق واجب و محرم دست را رعایت کند، این اصل کار است. اگر در ادامه درجه پاکی و نزاهت را بالا ببرد و مستحبات و مکروهات را در مورد دست رعایت کند این می شود یک دست پاک پاک پاک و از آلودگی دور می شود اینجا می توانیم بگوییم «شرفت الید» شرافت ید به عنوان یک عضو مهم از اعضای انسان که قطعا در شرافت خود او نقش کلیدی و محوری دارد با چه چیزی حاصل می شود؟ این حقوق همه راه رسیدن به آن نزاهت را بیان کردند. واقعا این مسئله خیلی مهم است.

این حقوقی که امام سجاد (علیه السلام) بیان کردند همه در حقیقت اجزاء تشکیل دهنده شرافت آدمی است، شرافت آدمی با نادیده گرفتن حقوق هر یک از این اعضاء از بین می رود. چشم می تواند به شرافت انسان آسیب بزند، پا می تواند به شرافت انسان آسیب بزند، دست می تواند به شرافت انسان آسیب بزند، شکم می تواند به شرافت انسان آسیب بزند.

حضرت علی (علیه السلام) به دو عامل مهم آلودگی انسان اشاره می کند. این دو را می گویم تا خودم و شما، همه بسنجیم خودمان را. فکر می کنم که خیلی از ما این دو عامل را داریم. واقعا وقتی انسان خودش خلوت می کند با خدای خودش می بیند این حالات در ما وجود دارد. یکی شرک و دیگری کبر. این دو چیزی است که به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) اساس دین و ایمان است. حضرت علی اصلا دین را اینطور معرفی می کند و می فرماید: خداوند ایمان را برای پاک شدن و نزهت از شرک و نماز را برای پرهیز از کبر واجب کرده است. ایمان و نماز که دو رکن دیانت انسان است.

ایمان برای اینکه انسان شرک نوزد؛ ما می گوئیم مومن هستیم ولی مشرک هم هستیم. چقدر به لا مؤثر فی الوجود الا الله عقیده داریم؟ چقدر فکر می کنیم در این عالم هیچ موثری غیر از خدا وجود ندارد؟ رفتار ما سخن ما، برخورد ما گاهی اوقات طوری است که برای خیلی ها در عرض خداوند موثریت قائل هستیم. من معتقدم که خیلی این مشکل را داریم.

دومین رکن کبر است، غرور، خود بزرگ بینی، چه خبر است؟ مگر که هستیم و چه هستیم؟ با کسی که حالا ممکن است حدش از ما به ظاهر پایین تر باشد وقتی مواجه می شویم طوری به او نگاه می کنیم که انگار در دنیا کسی برتر از ما نیست. کبر همان است که شیطان را از درگاه خدا راند، هیچ چیزی مثل کبر خدا را به خشم نمی آورد، در حدیث قدسی است که کسی که با من در کبریایی معارضه کند او را به ذلت میکشانم، این خیلی بد است، این حالت خود بزرگ بینی، غرور و کبر شاید مهلک ترین چیزی است که انسان را نابود می کند و خیلی ها ممکن است عالم دین و روحانی باشند اما این دو ناپاکی در وجود آنها باشد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید این دو آلودگی را باید برداریم، شرافت آدمی به این است که از این دو آلودگی دور شود. اینها آلودگی‌های کلیدی است، رأس آلودگی‌ها است، شرک و کبر. انسان شریف انسانی است که از این دو پاک است. دست هم زمانی شریف می‌شود که از این آلودگی‌ها پاک باشد.

«والحمد لله رب العالمین»